

وزیر کشور در پیامی به مناسبت روز جهانی کارگر عنوان کرد: کارگران شریف، ستون‌های اصلی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای هستند. اسکندر مومنی وزیر کشور در پیامی، فرا رسیدن روز جهانی کارگر را تبریک گفت. متن این پیام به شرح زیر است: «یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر، فرصتی گران‌بها برای تجلیل از تلاش‌های بی‌وقفه، دستان پُرپرکت و اراده راسخ زنان و مردانی است که چرخ‌های تولید، توسعه و آبادانی کشور را به حرکت درمی‌آورند. کارگران شریف، ستون‌های اصلی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای هستند. امروز، جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان دیگر، به نقش بی‌بدیل کارگران در تحقق اهداف بلند خود واقف است؛ چراکه نقش‌آفرینی آنان در سنگر تولید، نه‌تنها مایه افتخار که ضامن استقلال، امنیت و رفاه کشور است.

آیا ژاپن وارد بازی بزرگ

جدید در آسیای مرکزی

می‌شود؟



با برقراری ثبات مرزی در آسیای مرکزی، ژاپن سیاست دو دهه‌ای «قدرت نرم» خود را کنار گذاشته و به دنبال نقش‌آفرینی فعال‌تر اقتصادی، به‌ویژه در حوزه منابع طبیعی است؛ سفرهای اخیر مقامات و دیدارهای تجاری نشان‌دهنده این تغییر راهبرد است.

حل‌وفصل کامل اختلافات مرزی در آسیای مرکزی طی دو ماه گذشته، به تغییری بنیادین در رویکرد ژاپن نسبت به این منطقه مهم ژئوپلیتیکی منجر شده است. به نظر می‌رسد توکیو پس از دو دهه تمرکز بر ابتکارات «قدرت نرم»، اکنون به دنبال کسب سهمی ملموس در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع طبیعی غنی آن‌هاست. این تغییر راهبرد، اما، پتانسیل آن را دارد که ژاپن را در مسیر برخورد با منافع جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه، دو قدرت خارجی مسلط در منطقه، قرار دهد.

دو دهه تمرکز بر قدرت نرم

ژاپن از سال ۲۰۰۴ با همکاری کشورهای منطقه، پلنفرم گفتگوی «آسیای مرکزی+ ژاپن» را ایجاد کرد. این پلنفرم که با ابتکار توکیو و قاسم جومارت توقایف (وزیر خارجه وقت و رئیس‌جمهور کنونی قزاقستان) شکل گرفت، بستری برای برگزاری نشست‌های منظم در سطوح وزرا و معاونان وزرا و پیشبرد همکاری‌ها بود.

در چارچوب این گفتگوها، ژاپن کمک‌های مالی قابل توجهی در قالب تأمین مالی پروژه‌ها، وام‌های توسع‌ای «آسیای مرکزی+ ژاپن» را ایجاد کرد. این پلنفرم که با ابتکار توکیو و قاسم جومارت توقایف (وزیر خارجه وقت و رئیس‌جمهور کنونی قزاقستان) شکل گرفت، بستری برای برگزاری نشست‌های منظم در سطوح وزرا و معاونان وزرا و پیشبرد همکاری‌ها بود. ژاپن از سال ۲۰۰۴ برای اصلاحات اقتصادی و کمک‌های بلاعوض (مانند سرمایه‌گذاری ۲۲،۵ میلیون دلار در تاجیکستان در ۲۰۲۳-۲۴ و اجرای پروژه‌های راهسازی، انرژی خورشیدی، بهبود فرودگاه دوشنبه و اعطای بورسیه تحصیلی) به کشورهای منطقه ارائه کرد. این اقدامات هرچند نفوذ سیاسی و فرهنگی ژاپن را افزایش داد، اما منجر به ایجاد ردپای اقتصادی قابل توجهی نشد. (نشست سران اقتصاد آسیای مرکزی برای سال ۲۰۲۴ برنامه‌ریزی شده بود، به دلیل مسائل داخلی ژاپن لغو شد).

احتیاط در برابر قدرت‌های بزرگ و چرخش پس از ثبات در طول این دوره، ژاپن عموماً از ورود به رقابت مستقیم اقتصادی با دیگر قدرت‌های فعال در آسیای مرکزی اجتناب می‌کرد و فعالیت‌های قدرت نرم آن، همچون کمک‌های تلاش‌های دیگران تلقی می‌شد.

تنها استثنا، افزایش تنش با چین به دلیل رقابتیت ژاپن-روافزون پکن و چرخش نفوذ اقتصادی آن در منطقه بود که توکیو آن را یک تهدید ژئوپلیتیکی می‌دید، هرچند اقدامات متقابل ژاپن تأثیر چندانی در کند کردن روند پیشروی چین نداشت. یکی از دلایل اصلی احتیاط توکیو در گذشته، نگرانی از بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و تأثیر منفی آن بر سرمایه‌گذاری‌های احتمالی بود. اما با امضای توافقات مرزی ابتدا میان قزاقستان و تاجیکستان و سپس توافق جامع منطقه‌ای در ۳۱ مارس ۲۰۲۵ که به دهه‌ها مناقشه ارضی پایان داد، این مانع بزرگ تا حد زیادی برطرف شد.

به نظر می‌رسد ژاپن، شاید بیش از هر قدرت دیگری، این تحول را به مثابه «گشوده شدن درها» برای گسترش نقش خود در آسیای مرکزی تلقی می‌کند؛ نقشی که دیگر تنها به قدرت نرم محدود نمی‌شود و شامل دسترسی شرکت‌های ژاپنی به منابع طبیعی عظیم منطقه نیز می‌شود.

گام‌های جدید توکیو و واکنش منطقه

در هفته‌های اخیر، توکیو با برگزاری نشست‌های میان طرف‌های ژاپنی و دولت‌های آسیای مرکزی، گام‌های عملی برای بررسی امکان افزایش مشارکت اقتصادی خود در منطقه را برداشته است. دولت‌های آسیای مرکزی ظاهراً از این تحول استقبال می‌کنند، زیرا ژاپن را به عنوان یک گزینه جدید برای ایجاد توازن در برابر سایر «شرکای» خارجی خود می‌بینند. با این حال، آنها همچنان بر لزوم تداوم برنامه‌های مؤثر قدرت نرم ژاپن تأکید دارند (هرچند این برنامه‌ها از نظر حجم همچنان کوچکتر از برنامه‌های چین و روسیه هستند).

برجسته‌ترین نمود این تغییر رویکرد، سفر رسمی سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهور ترکمنستان به ژاپن در دو هفته پیش بود. در جریان این سفر، علاوه بر افتتاح نمایشگاه تجاری و دیدارهای سطح بالا (با نخست‌وزیر و امپراتور)، گفتگوهای مهمی در مورد گسترش تجارت و افزایش سرمایه‌گذاری ژاپن در بخش انرژی ترکمنستان صورت گرفت.

انتخاب ترکمنستان به عنوان اولین مقصد شاید به دلیل انزوای نسبی این کشور در سال‌های گذشته (ناشی از سیاست بی‌طرفی) و در نتیجه، وجود فرصت‌های بیشتر برای بازیگران تازه‌واردی چون ژاپن باشد. ژاپن در ماه‌های اخیر روابط اقتصادی خود با چهار کشور دیگر منطقه (نیز گسترش داده، اما با سر و صدای کمتر. این رویکرد محتاطانه احتمالاً ناشی از محاسبات توکیو و پایتخت‌های آسیای مرکزی برای جلوگیری از تحریک واکنش‌های احتمالی از سوی چین و روسیه است.

در طی دو دهه اخیر، پرونده هسته‌ای

جمهوری اسلامی ایران به یکی از کانونی‌ترین محورهای چالش‌برانگیز در مناسبات بین‌المللی تهران با بازیگران غربی تبدیل شده است. روندی که با برجسته‌سازی ابعاد امنیتی فعالیت‌هایهسته‌ای ایران از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدانش، زمینه‌ساز اعمال تحریم‌های چندلایه و شکل‌گیری نوعی اجماع بین‌المللی حول سیاست مهار شده است. در این میان، نقش‌آفرینی رژیم صهیونیستی در تداوم گفت‌وگوهای تهدیدمحور علیه ایران، در کنار فشارهای فزاینده رسانه‌ای و دیپلماتیک، بر شدت فضای تقابلی افزود و مسیرهای گفت‌وگومحور را در مقاطع متعدد با انسداد مواجه ساخت.

با وجود این، توافق جامع هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (برجام) تجلی اراده‌ای جمعی در سطح بین‌المللی برای مدیریت بحران، بازتعریف نقش ایران در نظم منطقه‌ای، و بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک به‌جای راهبردهای تقابلی بود. اما خروج یک‌جانبه دولت ترامپ از این توافق، نه‌تنها آن را به وضعیت تعلیق درآورد، بلکه نوعی بی‌اعتمادی ساختاری را نسبت به کارآمدی ابزارهای حقوقی و توافق‌محور در سیاست بین‌المللیهوجود آورد. در این بستر، ازسرگیری مذاکرات غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن با میانجی‌گری عمان را می‌توان به کوششی دوباره برای بازگشایی کانال‌های دیپلماتیک و ارزیابی امکان بازآفرینی توافق از طریق سازوکارهای اعطاف‌پذیر ارزیابی کرد. نخستین و فوری‌ترین بازتاب این گفت‌وگوها، در سطح روانی نمود یافت؛ جایی که بازتاب مالی داخلی به‌سرعت به سیگنال‌های مثبت واکنش نشان دادند. کاهش نوسانات ارزی، تعدیل انتظارات تورمی و تقویت امید در میان بازیگران اقتصادی، حاکی از تأثیر نمادین ولی ملموس گشایش‌های دیپلماتیک است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که حتی در غیاب توافق نهایی، احیای فضای گفت‌وگو می‌تواند نوعی اطمینان نسبی در ساختار اقتصادی ایجاد کند. با این حال، استمرار این وضعیت منستازم ترجمه فضای روانی به دستاوردهای

صدیقی: معیشت معلمان باید در شأن جایگاه واقعی آنها باشد



هرچه دارند از حضرت معصومه(س) دارند. وی اظهار داشت: حادثه بندر شهید رجایی فاجعه‌ای نبود که موجب دردمند شدن ملت ایران شد. باید سیره امام و رهبر انقلاب همیشه پیروی کنیم. رهبر انقلاب در تمام حوادث هم تسلیت می گویند و هم نکات مثبت را برای دلگرم کردن مردم بیان می کنند. مسئولان قضایی و امنیتی دنبال رسیدگی به قصورات صورت گرفته در این حادثه هستند تا

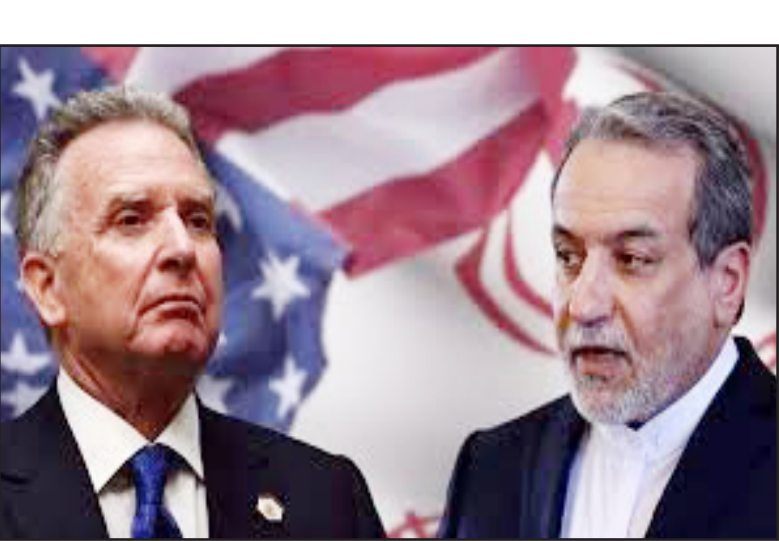
لاریجانی:نتیجه مذاکرات بستگی به عقلانیت طرف مقابل دارد

موانعی بر سر راه او نباشد، می‌تواند به رشد و شکوفایی دست یابد. این مسئله حتی در حوزه اقتصاد و توسعه نیز اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بدون آزادی، رشد و پیشرفت ممکن نیست.

آزادی باید با عقلانیت و اصول دینی همراه باشد و مرزبندی‌های آن مشخص شود. انتمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، امروز با حضور علی لاریجانی، مشاور رهبر معظم انقلاب و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و جمعی از دانشجویان این دانشگاه برگزار شد. علی لاریجانی در این مراسم، با اشاره به شخصیت برجسته شهید مطهری گفت: شهید مطهری یکی از متفکران برجسته عصر ما بود و اندیشه‌های او نه‌تنها برای جامعه اسلامی، بلکه برای نسل‌های فعال در صحنه اجتماعی نیز راهگشا بوده است. محور اصلی آثار شهید مطهری را می‌توان سعادت کشور، مردم و امت اسلامی دانست که از تفکر دینی نشأت می‌گیرد. این سعادت، نه تنها یک بعد معنوی، بلکه ابعاد مادی و اجتماعی هم دارد. وی افزود، تفکر شهید مطهری در مورد سعادت اسلامی، یک بعدی نیست. ایشان معتقد بود دینی که با مسائل معنوی توجه دارد، باید به مسائل مادی جامعه نیز اهتمام داشته باشد. تصور اینکه تفکر اسلامی صرفاً به امور معنوی توجه دارد و جنبه مادی را نادیده اند، جمله خطاست. این دو جنبه در کنار یکدیگر هم پيدا می کنند و مکمل هم هستند.

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت بحث آزادی در اندیشه شهید مطهری اشاره کرد و گفت: آزادی یکی از اصول فکری شهید مطهری است که ایشان بر آن تأکید فراوان داشتند. آزادی به رشد استعدادها، فطری انسان کمک می‌کند، چرا که انسان ذاتاً دارای ظرفیت‌های بسیاری است و اگر

چشم‌انداز دیپلماسی در پرتو بازتعریف منازعه هسته‌ای ایران: پیامدها و الزامات مذاکرات عمان



عینی و ساختاری در سیاست‌گذاری اقتصادی و بین‌المللی است.

در صورت حصول توافقی ابتدایی در حوزه فعالیت‌هایهسته‌ای، بهره‌گیری از مزایای آن در گرو فراهم‌سازیزیرساخت‌هایچندبُعدی است. از جمله الزامات بنیادین، می‌توان به احیای تعامل با نظام مالی جهانی، انطباق با استانداردهای نهادهایی نظیر FATF، و ارتقاء شفافیت ساختارهای اقتصادی داخلی اشاره کرد. بازگشت لوابح چهارگانه به اولویت تقنینی و اجرایی، در این راستا حائز اهمیت راهبردی خواهد بود. در غیاب چنین زمینه‌سازی‌هایی، لغو یا تعلیق تحریم‌ها نمی‌تواندبه‌تنهاییتضمین‌کننده بهبود پایدار مالی داخلی به‌سرعت به سیگنال‌های مثبت

واکنش نشان دادند. کاهش نوسانات ارزی، تعدیل انتظارات تورمی و تقویت امید در میان بازیگران اقتصادی، حاکی از تأثیر نمادین ولی ملموس گشایش‌های دیپلماتیک است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که حتی در غیاب توافق نهایی، احیای فضای گفت‌وگو می‌تواند نوعی اطمینان نسبی در ساختار اقتصادی ایجاد کند. با این حال، استمرار این وضعیت منستازم ترجمه فضای روانی به دستاوردهای

سطوح عالی تصمیم‌سازی است؛ پدیده‌ای که در گذشته، گاه به‌عنوان مانعی در مسیر توافقات پایدار عمل می‌کرد. این اجماع، علاوه‌بر ارسال پیام ثبات به طرف‌های مقابل، می‌تواند زمینه‌ساز ورود تدریجی به گفت‌وگوهایجامع‌تر در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی باشد. احیای تعامل با کشورهای اروپایی و برخی دولت‌های عربی که در سال‌های اخیر تحت تأثیر فشارهای فرامرزی آمریکا، از سطح همکاری خود با ایران کاسته بودند، از مهم‌ترین ظرفیت‌های دیپلماتیک مرحله پس‌اتوافق خواهد بود. در این میان، نقش قدرت‌های شرقی از جمله چین و روسیه نیز واجد اهمیت ژئوپلیتیکیقابل‌توجهی است. همراهی این دو کشور با موضوع ایران در مخالفت با تحریم‌های یک‌جانبه و تلاش برای ساخت‌دهی به نظمی چندقطبی، می‌تواند در تقویت قدرت چانه‌زنی تهران تأثیرگذار باشد. با این حال، باید توجه داشت که پایداری این حمایت‌ها، تابعی از ملاحظات مستقل و اولویت‌های راهبردی خود آن کشورهاست و نمی‌توان آن را جایگزین استقلال در تصمیم‌سازی دانست.

در مجموع، درک درست از مختصات جدید نظام بین‌الملل، واقع‌گرایی در تحلیل ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی، و تقویت دیپلماسی چندلایه، پیش‌شرطهای عبور موفق از وضعیت فعلی‌اند. توافقی احتمالی در عمان، اگرچه نقطه پایان پرونده هسته‌ای نخواهد بود، اما می‌تواند نقطه عطفی برای تغییر پارادایم تقابل به سمت گفت‌وگو و بازسازی جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران باشد. این توافق، نه به‌مثابه فرجام منازعه، بلکه به‌عنوان بستری برای بازاندیشی در راهبردهای کلان سیاست خارجی ایران تلقی می‌شود؛ راهبردی که در صورت تلفیق عقلانیت دیپلماتیک، انسجام داخلی و هوشمندی ژئوپلیتیکی، می‌تواند مسیر گذار از انزوا به تعامل فعال را هموار سازد

معصومه علیانپور

تحول این حوزه را اجرایی کند. از سوی دیگر دولت و نظام باید معلمان را تکریم کند و در حوزه معیشتی به داد آنها برسد. آموزش و پرورش باید در کتب درسی تجدید نظر کند زیرا این کتب‌ها در تراز انقلاب اسلامی نیست و نمی‌تواند رمز زندگی را در اختیار دانش آموزان قرار دهد. معلمان به گردن همه مسئولان کشور و همه شهدا حق دارند و اگر معلم باعث شود عقابیت یک نفر ختم به خیر شود تنها یک انسان را احیا نکرده است. توقع داریم دولت محترم به میدان بیاید و برای معلمان در شان واقعی یک معلم مسئله معیشت را برطرف کند.

امام جمعه موقت تهران ادامه داد: کارگری در اسلام اهمیت زیادی دارد و حتی پیامبر اسلام دست کارگر را بوسیده است. کارگران هیچ‌جا محسوب کمبود حقوق به خیابان نیامدند زیرا خودشان صاحبان این انقلاب هستند و امروز هم پیشران اصلی حرکت اقتصادی کشور هستند.

وی در پایان با اشاره به مذکرات ایران و آمریکا گفت: برجام عبرت است و این تیم مذاکره کننده ما که از برجام عبرت گرفتند باید متناصب با طرفندهایی که آنها در طول سال‌ها فراهم کردند در میدان حاضر شوند. حق استفاده از انرژی هسته‌ای صلح آمیز برای ما یک مهم‌ترین نهاد حکومتی و کانون سرنوشت ساز کشور است. وزیر آموزش و پرورش باید سند هرگز قابل مذاکره نخواهد بود.

حمله‌ونقل و لجستیک: ستون فقرات روابط همکاری در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک، جزء لاینفک روابط دو کشور آذربایجان و چین باقی مانده است.

الهام علی‌اف ضمن تمجید از این همکاری، به تعهد آذربایجان برای افزایش ظرفیت کریودر میانی اشاره کرد؛ مدسیری که با دور زدن روسیه، راهی جایگزین و کوتاه‌تر برای اتصال چین و اروپا فراهم می‌کند. (پیش‌بینی شرکت‌های کشتیرانی آذربایجان و قزاقستان رسیدن حجم حمل کانتینر در این کریودر به ۹۶ هزار TEU در سال ۲۰۲۵ است).

این مشارکت برای هر دو طرف منافع قابل توجهی دارد، چنین از طریق آذربایجان به یک مسیر ترانزیتی مطمئن و کارآمد برای پیشبرد استراتژی اقتصادی اوراسیایی خود دست می‌یابد. در مقابل، آذربایجان نیز با جذب سرمایه‌گذاری و فناوری چین، به تنوع‌بخشی اقتصاد غیرنفتی خود سرعت بخشیده و نقش خود را در زنجیره‌های تأمین جهانی تقویت می‌کند.

جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر منابع عظیمی را صرف نوسازی و توسعه زیرساخت‌های تجاری خود (شامل شبکه‌های ریلی و جاده‌ای) کرده و با بهینه‌سازی فرآیندهای گمرکی، اراداندازی پلنفرم‌های دیجیتال ردیابی کالا و به‌ویژه توسعه مسیر بندر بین‌المللی آلت در نزدیکی باکو، خود را به عنوان یک هاب تجاری مدرن و کارآمد در اوراسیا مطرح کرده است.

آغاز فاز دوم توسعه بندر آلت با هدف رساندن ظرفیت سالانه آن به ۲۵ میلیون تن و همچنین اقدام استراتژیک اخیر برای ادغام شرکت مدیریت بندر با شرکت راه‌آهن آذربایجان (با هدف بهینه‌سازی حمل‌ونقل ترکیبی و جذب سرمایه‌گذاری)، گواه روشنی بر عزم باکو در این زمینه است. چشوداندارش همکاری و پیامدهای منطقه‌ای مشارکت جامع راهبردی جدید میان آذربایجان و چین، زمینه‌ساز بهره‌مندی متقابل اقتصادی در میان‌مدت و بلندمدت و بستری برای همکاری‌های آتی است. برای آذربایجان، چین با توجه به منابع مالی و فناوری خود، شریکی جذاب محسوب می‌شود و تعمیق روابط با پکن، جاذبهایی باکو برای رهبری روندهای اتصال منطقه‌ای را نشان می‌دهد. برای چین نیز، این مشارکت به معنای تحکیم نفوذ در قفقاز جنوبی و تضمین دسترسی به تنها مسیر زمینی به اروپا است که روسیه را دور می‌زند. بدون شک، مسکو نظاره‌گر دقیق گسترش ردپای پکن در این منطقه خواهد بود، چرا که پکن فلاته در حال ایجاد مشارکت‌های جدید برای یاقتن مسیرهای تجاری و منابع انرژی جایگزین میان شرق و غرب است.

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۶۹۴

۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴/ با ما همراه شوید

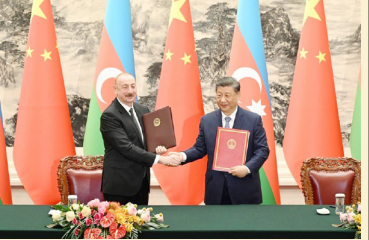
www.serajonline.com – @serajname

سیاسی

از انرژی تا لجستیک؛ توافقات

جدید در شراکت راهبردی

باکو و پکن



سفر علی‌اف به پکن با ارتقای روابط آذربایجان و چین به مشارکت جامع راهبردی» همراه شد. تمرکز اصلی بر نقش کلیدی باکو در کریودرهای ترانزیتی (کریودر میانی) برای اتصال چین و اروپا با دور زدن روسیه و گسترش همکاری اقتصادی است.

سفر رسمی الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان به جمهوری خلق چین (۲۲-۲۴ آوریل) و دیدار وی با شی جین پینگ، رئیس‌جمهور این کشور، نقطه عطفی در تحکیم مشارکت دوجانبه بود که با امضای توافقنامه برقراری «مشارکت جامع راهبردی» به اوج خود رسید. این سفر در مقطع زمانی حساسی انجام شد که تشدید جنگ تجاری میان چین و آمریکا، پکن را به جستجوی مسیرهای ترانزیتی و مقاصد صادراتی جایگزین سوق داده است. نقش آذربایجان به عنوان یک مرکز ترانزیتی کارآمد میان چین، آسیای مرکزی و اروپا، این کشور را در موقعیتی ممتاز برای ایجاد مشارکت با تقریباً تمام کشورهای منطقه قرار داده است. باکو به طور همزمان در ابتکار «کمربند و راه» به رهبری چین و همچنین پروژه «کریودر میانی» (که مورد توجه اتحادیه اروپا نیز هست) نقش فعالی ایفا می‌کند که نشان‌دهنده عمق روابط رو به رشد این کشور هم با پکن و هم با روسکند است.

سیاست خارجی چندوجهی آذربایجان که بر توسعه زیرساخت‌های تجاری تمرکز دارد، جایگاه بین‌المللی این کشور را در بحبوحه تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ اوکراین و بحران انرژی، تقویت کرده است.

رشد ۲۰،۷ درصدی حجم تجارت میان آذربایجان و چین در سال ۲۰۲۳ (رسیدن به ۳،۲۴۴ میلیارد دلار و تبدیل چین به چهارمین شریک تجاری باکو) نیز اهمیت و به موقع بودن ارتقای روابط به سطح مشارکت جامع راهبردی را نشان می‌دهد.

این مشارکت سطح بالا، شامل توافقات جدیدی در بخش‌های کلیدی صنعتی از جمله نفت و گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر، پتروشیمی، متالورژی، معدن، نساجی، خودروسازی، مصالح ساختمانی، داروسازی و صنایع غذایی می‌شود. قراردادهای مهمی نیز در حوزه انرژی‌های نو به امضا رسید که بر سرمایه‌گذاری چین در احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی و سیستم‌های ذخیره انرژی در آذربایجان تأکید دارد (از جمله سرمایه‌گذاری شرکت یونپورسال انرژی چین در نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی خورشیدی قوبوستان).

حمل‌ونقل و لجستیک: ستون فقرات روابط همکاری در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک، جزء لاینفک روابط دو کشور آذربایجان و چین باقی مانده است.

الهام علی‌اف ضمن تمجید از این همکاری، به تعهد آذربایجان برای افزایش ظرفیت کریودر میانی اشاره کرد؛ مدسیری که با دور زدن روسیه، راهی جایگزین و کوتاه‌تر برای اتصال چین و اروپا فراهم می‌کند. (پیش‌بینی شرکت‌های کشتیرانی آذربایجان و قزاقستان رسیدن حجم حمل کانتینر در این کریودر به ۹۶ هزار TEU در سال ۲۰۲۵ است).

این مشارکت برای هر دو طرف منافع قابل توجهی دارد، چنین از طریق آذربایجان به یک مسیر ترانزیتی مطمئن و کارآمد برای پیشبرد استراتژی اقتصادی اوراسیایی خود دست می‌یابد. در مقابل، آذربایجان نیز با جذب سرمایه‌گذاری و فناوری چین، به تنوع‌بخشی اقتصاد غیرنفتی خود سرعت بخشیده و نقش خود را در زنجیره‌های تأمین جهانی تقویت می‌کند.

جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر منابع عظیمی را صرف نوسازی و توسعه زیرساخت‌های تجاری خود (شامل شبکه‌های ریلی و جاده‌ای) کرده و با بهینه‌سازی فرآیندهای گمرکی، اراداندازی پلنفرم‌های دیجیتال ردیابی کالا و به‌ویژه توسعه مسیر بندر بین‌المللی آلت در نزدیکی باکو، خود را به عنوان یک هاب تجاری مدرن و کارآمد در اوراسیا مطرح کرده است.

آغاز فاز دوم توسعه بندر آلت با هدف رساندن ظرفیت سالانه آن به ۲۵ میلیون تن و همچنین اقدام استراتژیک اخیر برای ادغام شرکت مدیریت بندر با شرکت راه‌آهن آذربایجان (با هدف بهینه‌سازی حمل‌ونقل ترکیبی و جذب سرمایه‌گذاری)، گواه روشنی بر عزم باکو در این زمینه است. چشوداندارش همکاری و پیامدهای منطقه‌ای مشارکت جامع راهبردی جدید میان آذربایجان و چین، زمینه‌ساز بهره‌مندی متقابل اقتصادی در میان‌مدت و بلندمدت و بستری برای همکاری‌های آتی است.

برای آذربایجان، چین با توجه به منابع مالی و فناوری خود، شریکی جذاب محسوب می‌شود و تعمیق روابط با پکن، جاذبهایی باکو برای رهبری روندهای اتصال منطقه‌ای را نشان می‌دهد. برای چین نیز، این مشارکت به معنای تحکیم نفوذ در قفقاز جنوبی و تضمین دسترسی به تنها مسیر زمینی به اروپا است که روسیه را دور می‌زند. بدون شک، مسکو نظاره‌گر دقیق گسترش ردپای پکن در این منطقه خواهد بود، چرا که پکن فلاته در حال ایجاد مشارکت‌های جدید برای یاقتن مسیرهای تجاری و منابع انرژی جایگزین میان شرق و غرب است.